

# بحشی تازه در مدیریت ریسک

• جو دگرگونی

• هشدار فراگیر

ترجمه: محمد سعید الفتی

## جو دگرگونی

در سالهای اخیر بلایای طبیعی متعدد و بزرگی در نواحی مختلف دنیا اتفاق افتاده و موجب شده است تا بیمه گرانی که ناچار به پرداخت غرامات سنگین بوده اند تمام توجه خود را به این موضوع معطوف کنند.

اکنون نظریه های مختلفی در مورد پیش بینی شرایط اقلیمی در درازمدت مطرح می باشد و سوال این است که آیا شاهد نشانه هایی از تغییرات برگشت ناپذیر در شرایط اقلیمی سیاره زمین خواهیم بود یا اینکه چنین پدیده هایی در کوتاه مدت اتفاق می افتد و تأثیرات آتی آنها هنوز معلوم نیست؟

اینک مشخص شده است که به دلیل افزایش مقادیر گازهایی مانند دی اکسید کربن در جو زمین که ناشی از فعالیت های انسان است اثر گلخانه ای تشدید و با مدل های ریاضی نسبتاً موثقی نیز تأیید شده است. البته دانشمندان با قید احتیاط در مورد قابلیت این مدلها برای پیش بینی تغییرات اقلیمی ظرف یک دهه یا حتی یک قرن بحث می کنند، چون برخی اثرات واکنش های نامشخص دارند. البته تغییرات اقلیمی مستلزم مراحلی است که درجات آن در طول زمان بسیار متفاوت است. مثلاً اقیانوس ها و یخ های قطبی در مقایسه با جو و سطح قاره ها با سرعت کمتری از خود واکنش نشان می دهند.

علت تغییرات عمده در شرایط آب و هوایی، که احتمالاً موجب بروز چنین بلایای عظیم و نظریه پردازی در مورد تحولات آتی آنها شده است، هر چه که باشد ولی یک موضوع در

مورد بیمه آنها مسلم است و آن اینکه فعالیت بیمه ای در سطح بین المللی به لحاظ سیاسی، اقتصادی و حقوقی تحت تأثیر شریطی است که به سرعت دستخوش تغییرات می باشد. معنای چنین تحولاتی این است که بیمه گران مستقیم و انکائی می بایستی در آینده مبالغ بسیار هنگفتی بابت غرامت حوادث طبیعی بپردازند. در این مورد قوانین فرانسه اخیراً تغییر دور از انتظاری کرده است چون براساس قانون مصوب بیست و پنجم ژوئن ۱۹۹۰، که بعد از طوفان سراسری اروپای شمالی در سال ۱۹۹۰ به اجرا درآمد، مقرر شده است که در بیمه نامه های آتش سوزی پوشش لازم برای طوفان و گردباد نیز فراهم شود. اجرای این قانون که بصورت یکی از شروط قرارداد بیمه درآمد است در واقع دولت را از دخالت در این گونه حوادث آسوده می کند و بنابراین اکنون مسئولیت دولت به پرداخت غرامت خسارت ناشی از سیل، لغزش زمین، زلزله، طغیان دریاها (بملاوه بلایای کشاورزی) که در دستورالعمل های داخلی وزارتی بعنوان بلایای طبیعی شناخته شده اند، محدود می شود.

در آینده احتمالاً اجباری کردن بیمه طوفان و بسط آن در بازار غیردولتی به سرعت گسترش خواهد یافت و مورد حمایت مسئولین کشورهای قرار خواهد گرفت که بخصوص در معرض چنین خطری هستند.

در چند سال اخیر بازار بیمه دنیا بهای سنگینی بابت خسارات ناشی از بلایای طبیعی پرداخته است. این خسارات شامل حوادث مختلفی بوده اند که برخی بصورت پراکنده در نواحی

مختلف اتفاق افتاده و موجب اشباع پوشش اتکائی بیمه شده است مانند گردباد جزایر گیلبرت (در سال ۱۹۸۸: بیش از یک میلیارد دلار خسارت)، گردباد هوگو (۱۹۸۹: بیش از ۴ میلیارد دلار)، و طوفان میریل (۱۹۹۱: بیش از ۴ میلیارد دلار) و حوادث پشت سرهم دیگری مانند طوفانهایی که از اواخر ژانویه ۱۹۹۰ تا اوائل مارس همان سال اروپای شمالی را درهم کوبید.

چنین حوادثی نه تنها پوشش قراردادهای برقراری مجدد بلکه قسمتی از ظرفیت بازار اتکائی را به خود اختصاص دادند. بررسی بلایای طبیعی اخیر و اثرات گسترده ناشی از آن نشان دهنده این واقعیت است که هیچ کشور پیشرفته‌ای از لحاظ اقتصادی از این آسیب‌ها در امان نبوده است.

اگرچه سهم قبولی بیمه گران اتکائی با توجه به بازار و سهم نگهداری شرکت‌های واگذارنده متفاوت است ولی همین مقدار نیز در بسیاری از کشورها نمایانگر بار سنگین خسارات می‌باشد. البته شاید این موضوع در مورد طوفان ۱۹ ژاپن که سهم اتکائی آن در بازار جهانی جزئی بود (تقریباً یک سوم) صدق نکند. ولی در مورد خسارت این طوفان در ژاپن می‌بایستی دو نکته در نظر گرفته شود. اولاً بازار ژاپن سیاست اتکائی ویژه‌ای دارد که پیرو نظریه مالتوس است یعنی تا حد امکان برای پوشش اتکائی به بازار داخلی مراجعه و از رجوع به بازار بین‌المللی اجتناب می‌کند. ثانیاً بدلیل اشتباه محاسبه در مورد وقوع یک خطر بالقوه در یک حادثه واحد، کل پوشش یک جا از دست رفت. اگر بازار ژاپن چنین خسارتی را در حساب احتمالات خود منظور می‌کرد، بازار اتکائی بین‌المللی می‌توانست نزدیک به ۷۵ درصد از هزینه خسارت را بپردازد. بدلیل همین اشتباه محاسبه، تعدادی از بیمه گران ژاپنی ناچار شدند برای انجام تمهیدات خود به ذخایرشان دست بزنند و از وام بانکی استفاده کنند.

در بازارهای غرب درصد سهم واگذاری

اتکائی بسیار بالا است و مشکلاتی هم که تعدادی از شرکت‌های بریتانیایی در سال ۱۹۸۷ موقعی که طوفان شدید سراسر بریتانیا را درهم کوبید، با آن روبرو شدند بدین علت بود که نتوانسته بودند واگذاری مناسبی داشته باشند که این خود موجب شد بیمه گران میزان پوشش خود را افزایش دهند و بطوری که تخمین زده می‌شود بیش از دو سوم هزینه حوادث سال ۱۹۹۰ آنها از پوشش اتکائی برخوردار بوده است.

آخرین حلقه زنجیر در واگذاری خطر یعنی بازار لندن که تا حدود بسیار زیادی ظرفیت‌های واگذاری مجدد در دنیا را در اختیار دارد، از حوادث چند سال گذشته بطور بی سابقه‌ای ضربه خورد. حوادث مزبور ظرفیت این بازار را بشدت کاهش داد، آن هم ظرفیتی را که از همان سال ۱۹۸۷ رو به نقصان گذاشته بود و در سراسر سالهای ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹ این روند همچنان ادامه داشت و در سال ۱۹۹۰ آخرین ضربه را از طوفانهای اروپا (و احتمالاً طوفانهای اخیر ژاپن) دریافت کرد.

ظرفیت دائمی و قابل دسترس در صورتی می‌تواند وجود داشته باشد که با بررسی دقیق خطر و تعیین نرخ متناسب با آن پایه‌ریزی شده باشد. صنعت بیمه تاکنون به تمهیدات خود در مقابل بیمه گذاران عمل کرده است و بعد از طوفانهای سال ۱۹۹۰ حدود پنج تا ده میلیون مورد خسارت را بخوبی تصفیه کرده است.

بیمه گران اتکائی حمایت و خدماتی را که بیمه گران مستقیم انتظار داشته‌اند یعنی هموار کردن راه آنها در پرداخت خسارات سنگین بخوبی انجام داده‌اند. ولی تکرار چنین اوضاعی ظرف چند سال آینده احتمالاً ظرفیت موجود بازار را برای چنین حوادثی بشدت به مخاطره خواهد انداخت.

حل این مشکل در تعیین صحیح نرخ ظرفیتی است که به بیمه گذار ارائه می‌شود. قیمت بایستی حتی الامکان بالمناصفه بین ارائه کنندگان ظرفیت

آن را فرصت طلبی برای حفظ ظرفیت نامید یعنی ارتباط‌های دیرپای خود را با بیمه‌گران‌شان به نفع کسانی که اعتبار آنها در درازمدت به هیچ وجه قابل تضمین نیست، قطع کردند.

از طرف دیگر زنجیر بازار واگذاری مجدد مرتبط با بلایای طبیعی بلافاصله با کاهش قابل ملاحظه ظرفیت و افزایش نرخ‌های خود واکنش نشان داد و این موضوع باعث شد که هزینه پوشش‌های مرسوم بیمه‌گران اتکائی به میزان باور نکردنی افزایش یابد و بسیاری مجبور شدند به منظور حفظ تعادل و بدون اینکه از افزایش حق بیمه‌های مربوط به قبولی‌های غیرنسبی خود سودی ببرند برای لایه‌های خاصی پوشش جایگزینی کسب نمایند. این مطلب شاید با توجه به خسارات اخیر قابل توجه باشد.

داده‌های عملی نمی‌تواند معلوم کند که آیا در آینده موارد طوفان و گردباد بیشتر خواهد بود یا نه و مشکل بتوان فرضیه‌های معتبری در مورد دوران بازگشت چنین بلایایی دست یافت یا اثرات خسارات اخیر را دقیقاً مشخص کرد.

حوادث چند سال گذشته حداقل ثابت کرده است که رویدادهایی از این نوع می‌تواند سرمایه و ذخایر شرکت‌هایی را که توان مالی آنها کافی نیست به شدت کاهش دهد.

بیمه‌گران اتکائی بایستی با احتمال اینکه نوسانات ناهنجار در وقوع خسارات بر ترانزنامه آنها اثر منفی بگذارد مقابله کنند. بنابراین بایستی با اعمال یک روش مناسب ذخیره‌سازی به صورت در اختیار گرفتن بخشی از درآمد حق بیمه که مشمول مالیات می‌باشد و تخصیص آن به عنوان ذخیره احتیاطی تعهدات خود را در طول زمان سرشکن کنند.

بعلاوه، بیمه‌گران بایستی تشکیل یک صندوق را با استفاده از امکانات مالی خود در نظر بگیرند به ترتیبی که این صندوق بتواند بتدریج پشتوانه آن بخش از خطر باشد که هنوز بدلیل تغییر ظرفیت واگذاری مجدد بدون پوشش

از بیمه‌گر مستقیم گرفته تا واگذارکنندگان مجدد و همچنین ذینفع‌ها تقسیم شود. اجرای این عمل مستلزم در نظر گرفتن تغییرات در اصل تقابل است به ترتیبی که در تعیین نرخ بایستی فاکتورهایی که به حق بیمه اضافه می‌شود متناسب با قابلیت تهدید مورد بیمه توسط خطر مورد نظر باشد.

حوادث سال ۱۹۹۰ با توجه به نرخ پایه بیمه‌نامه‌ها که خطرات بلایای طبیعی را نیز شامل می‌شد، تأثیری که انتظار می‌رفت در سال ۱۹۹۱ بجا نگذاشت. با رقابت شدیدی که در بازارهای اروپایی وجود داشت و بخصوص بازارهایی که متأثر از طوفانها بودند چنین افزایشی از قبل پیش بینی شد. اکنون با تجدید قراردادها در سال ۱۹۹۲ نشانه‌هایی از تحولاتی عمده در نرخ‌ها پدیدار شده است که بخشی از آن به دلیل فشار بیمه‌گران اتکائی برای بالا بردن نرخ‌هایشان، محدودیت ظرفیت و بهبود اساسی در وضعیت واگذاری به صورت قرارداد‌های نسبی می‌باشد.

بازار بیمه اتکائی با افزایش نرخ‌ها و مشکل‌تر کردن شرایط پذیرش بیمه به منظور هدایت بیمه‌گران مستقیم به سوی رفتاری مسئولانه‌تر نسبت به وضعیت قرارداد‌های مازاد خسارت واکنش نشان داد. فرانشیز افزایش یافت، تعداد دفعات برقراری محدود شده است و یک روش اتکائی مشترک نیز به صورت یکی از بندهای قرارداد با هدف تعیین حداقلی به عنوان سهم نگهداری در تمام لایه‌ها ارائه شده است.

متأسفانه این حرکت مانع از ارائه پوشش توسط برخی از مسئولان بی تجربه نگردید و نرخ‌هایی که در ارتباط با خطرات موردنظر بخصوص برای لایه‌های پائین یا متوسط توسط آنها ارائه شد بسیار نامتناسب و عجیب بود. در نتیجه چنین اعمالی در برخی از بازارها، شرکت‌های بیمه‌ای که بعد از حوادث سال ۱۹۹۰ از کمک بیمه‌گران اتکائی قدیمی خود برخوردار شده بودند اقدام به انجام کاری کردند که می‌توان

که امکان می دهد تعهدات بیمه گران اتکائی را در مورد طوفان بطور موثق و منظم ارزیابی نمود، تدوین و در سطحی گسترده در کشورهای اروپائی ذریبیط توزیع کرده است.

در این مورد نیز همانند هر گونه نوآوری در سایر رشته ها، می بایستی موانع ذهنی و مادی از پیش رو برداشته شوند و استفاده از تکنیک و پردازش داده ها برای تحقق روش های نو فراگیر شود.

بیمه گران معتبر دنیا می بایستی یک بار دیگر این مهم را به عهده بگیرند و با تلاش راه را برای موفقیت آینده هموار کنند و واگذار کنندگان را از اهمیت فوق العاده ارزیابی دقیق تر تجمع خطر در درازمدت آگاه کنند که نهایتاً برای طرفین در همگامی با شرایط جدید و تمامی صنعت بیمه مفید خواهد بود.

بیمه اتکائی همیشه بر اصل حسن نیت بین صاحبان این حرفه استوار بوده است. درستی حسابهای واگذار کنندگان و کار صدور، مدیریت و تصفیه خسارت آنها همواره، با توجه به رابطه تنگاتنگی که منافع طرفین براساس روش های متداول در بیمه اتکائی به صورت قراردادهای نسبی داشته است با اعتماد پذیرفته شده است.

ولی انعطاف تدریجی به سمت قراردادهای اتکائی غیرنسبی و حضور تعدادی شرکتهای بیمه قدرتمند که با توجه به قدرت مالی خود می توانند سهم بیشتری از خطر را نگهدارند و همچنین افزایش تعداد بلایای طبیعی پر هزینه، همگی خطری علیه بیمه گران اتکائی محسوب می شود.

با توجه به چنین تغییراتی اعمال روش های خاص منطبق بر روند جاری بازار اهمیت دارد. دست اندر کاران با توجه به منافع متقابل خود بایستی موشکافی بیمه گر اتکائی را در بررسی نحوه تصفیه خسارت توسط بیمه گر واگذارنده در ارتباط با بلایای طبیعی در صورتی که مبلغ خسارت بیش از مقدار معینی باشد و منافع بیمه گر مستقیم و اتکائی هم الزاماً یکسان نباشد

مانده است، یعنی همان بخشی که بعد از حوادث اخیر نشان داد که قادر به مقابله با کمبود نیست. اجرای روش جدید مستلزم این است که بیمه گران اتکائی درآمد حق بیمه مربوط به خطر مورد نظر را در حسابهایشان مشخص کنند و از مسئولین مالیاتی بخواهند تا قانون مالیاتی مربوط به یکنواخت کردن ذخایر را به صورت جاری تعدیل کنند. بدین ترتیب بیمه گران اتکائی می توانند چنین درآمدی را با تغییرات جاری و نیاز تعدیل کنند. این امر در سالهای آینده موضوع تلاشی واقعی برای بیمه گران اتکائی محسوب می شود. بازارها هم بایستی بتوانند تعهدات و تجمع خطر بالقوه ای را که متوجه آنهاست با کار کارشناسی در سطحی بالاتر نسبت به گذشته شناسایی و ارزیابی نمایند.

بیمه گران اتکائی نه تنها بایستی بتوانند آن بخش از حق بیمه مربوط به خطرات طبیعی را تفکیک کنند و حسابداری و روش مالیاتی خاص آن را اعمال نمایند بلکه هم بیمه گران اتکائی و هم واگذار کنندگان بایستی بتوانند تجمع تعهدات خود را براساس خطرات طبیعی که پذیرفته اند ارزیابی کنند و این هر دو اهمیت مشابهی دارد.

نهاد موسوم به «کرسا»<sup>۱</sup> نمونه برجسته ای از همکاری در این زمینه است. این نهاد در دهه ۱۹۷۰ با ابتکار جامعه بیمه گران اتکائی تأسیس شد. تهیه نقشه های منطقه ای، ارزیابی مناطق خطر و تهیه فرم های استاندارد جهت جمع آوری اطلاعات، خود موفقیتی در بیمه اتکائی مربوط به زلزله محسوب می شود. تحقیقات انجام شده در کرسا ابتدا متوجه آمریکای جنوبی و مرکزی شد که خطر زلزله در آنجا بسیار بالا است.

اکنون بعد از پانزده سال طوفانهای مهیبی اروپای شمالی را در هم کوبیده و موجب بروز نگرانی و افزایش مشکلات تازه ای برای صنعت بیمه شده است. توسط کرسا یک سیستم منطقه بندی براساس مناطقی که در معرض خطر بادهای شدید هستند، تهیه فرم های استاندردی

نمایندگان صنعت ساختمان و تدوین کنندگان مقررات مربوط به ساختمان سازی نمایند با این هدف که در مشخصات فنی جاری بازننگری و مقررات تازه ای ارائه شود.

بیمه گران بایستی هر چه بیشتر از لزوم ارزیابی صحیح خطرات طبیعی مربوط به خود مطلع شوند یعنی همان چیزی که بحق به بیمه گذاران خود در مورد انجام اقداماتی برای پیشگیری از آتش سوزی هشدار می دهند.

علت بسیاری از خسارات وارد به ساختمان های مسکونی و تجاری در طوفانهای سال ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ اروپا به دلیل ضعف مقاومت ساختمانیها در مقابل باد بود. بدین لحاظ بیمه گران مستقیم و اتکائی بایستی روش های حفظ بهتر دارائی ها را اشاعه دهند.

منبع:

The Review - April 1992 : Risk Management  
A Climate of Change \ by: Serge Osouf and Claude Alle

پاورقی

(۱) انجمن ارزیابی خطر بلایا و استاندارد کردن تجمع خطرات

Catastrophe risk evaluation and standaising target accumulation (CRESTA)

بپذیرند. اعمال فرانشیز و محدودیت شدید تصفیه خسارت به صورت ارفاقی از موضوعات قابل توجه هستند. در این مورد بازار بیمه لندن بعد از طوفانهای سال ۱۹۹۰ روش معینی را ارائه نمود.

تأثیر سیاست ذخیره سازی بیمه گر مستقیم بر نتایج کار بیمه گران اتکائی موضوع دیگری در این رابطه می باشد. نکته بسیار مهم برای بیمه گر اتکائی این است که نتایج کار سالانه او منطبق با سال مالی بیمه گر واگذارنده باشد، منتهی ارقامی که بر چنین مبنایی اعلام می شود شامل برآورد مبالغی است که هنوز موقع بستن دفاتر وصول نشده اند و امکان اینکه آن برآوردها نزدیک به نتایج نهایی باشد بسیار بعید است.

اساساً عدم کفایت برآورد هزینه طوفانهای سال ۱۹۹۱ توسط برخی از شرکت های واگذارنده موجب گردید که لزوم نظارت نزدیکتر بر نحوه گزارش خسارت و برقراری ارتباط قویتر اهمیت بیشتری یابد.

خسارات قابل توجهی که در منطقه لیون در اواخر سال ۱۹۹۰ به دلیل فروریختن سقف ها بر اثر بارش سنگین برف اتفاق افتاد اهمیت پیشگیری از بروز خسارت را بیش از پیش آشکار نمود. وسعت خسارات وارده نشان داد ساختمانهائی که طبق استانداردهای موجود ساخته شده بودند به اندازه کافی برای تحمل بارش سنگین برف تحت آن شرایط آب و هوائی مقاوم نبوده اند. این موضوع باعث شد تا اعضای صنعت بیمه با تجمع قوای خود اقدام به مذاکره با

## هشدار فراگیر

شرکت های بیمه ای که در سطح بین المللی فعالیت می کنند می بایست ابزاری برای ارائه خدمات مطلوب در اختیار داشته باشند. بدین لحاظ مدیری که مسئول برنامه های بیمه ای یک شرکت است باید با برنامه های جامع از نظر مدیریت ریسک که جنبه بین المللی هم داشته باشد اقداماتی را که برای تحقق فعالیت در سطح جهانی ضروری است از قبل در نظر بگیرد.

فردی که مدیریت ریسک در شرکتی را به عهده دارد بایستی مطمئن باشد که بیمه گرش همانی است که می تواند بدرستی مساعدت لازم را در تحقق یک برنامه مدیریت ریسک در سراسر جهان بنماید. در غیراین صورت مدیر ریسک بایستی در پی چه مشخصات و کیفیاتی باشد؟

بسیاری از بیمه گران پوشش هائی در سراسر جهان ارائه می دهند ولی توان ارائه خدمات در آن سطح را ندارند چون ارائه خدمات در سطحی عالی و به صورت بین المللی نیاز به عاملی دارد که چون بسیار ابتدائی است اغلب بدست فراموشی سپرده می شود و آن استقرار بیمه گران حرفه ای در مکانهای استراتژیک است تا آمادگی لازم برای پاسخگویی به نیازهای مشتری را داشته باشند.

اگر بیمه گر در سراسر جهان دفاتری را برای بررسی خسارت در اختیار داشته باشد، هر دفتر می تواند استانداردها و دستورالعمل هائی را که مدیر ریسک برای بررسی و تصفیه خسارت به بیمه گر ارائه داده است بکار بندد و اشخاصی که در انجام چنین کاری حرفه ای می شوند درخواست خواهند یافت که چگونه خسارت را براساس ارزشی که در محل دارد تصفیه کنند و دیگر تصور نمی کنند که استانداردهای مربوط به خسارت که در یک کشور جاری است می تواند در همه جا مورد استفاده قرار گیرد.

پاینداری در بررسی و چگونگی تصفیه خسارت در آینده موضوع بسیار بااهمیتی خواهد

بود، چون اکنون در اروپا و کلا و مصرف کنندگان با پیروی از نمونه های آمریکائی اقدام به طرح دعاوی مربوط به خسارات در دادگاهها کرده اند. با توجه به این موضوع مثلاً شرکت های دارونی عموماً می خواهند به منظور جلوگیری از طرح دعاوی که عاقبت خوشی هم برای آنها ندارد و پائین آوردن هزینه خسارات هر چه سریعتر و با رعایت اصول منطقی جوابگویی خسارات وارده باشند.

یک شرکت نوپای چند ملیتی که خسارات جنجالی را تصفیه می کند ممکن است سابقه خطرناکی برای دعاوی آتی ایجاد نماید. در صورتی که یک بیمه گر باتجربه هر اقدامی را که مدیر ریسک تشخیص می دهد برای ایجاد تعادل در بررسی و تصفیه خسارت مناسب است با در نظر گرفتن تمام جوانب دنبال می کند.

به منظور فراهم آوردن پشتوانه لازم برای فعالیت های بین المللی، عدم رضایتی که در مورد ارائه اطلاعات مربوط به خسارت در بین بیمه گران بطور سنتی مرسوم است می بایست جای خود را به سعه صدر بیشتری بدهد.

اگر مدیر ریسک بیمه گر صالحی را انتخاب کرده باشد بایستی اطلاعاتی را که از او دریافت می کند آنقدر کافی و مفصل باشد که بتواند از آنها در برنامه ریزی های کوتاه و درازمدت خود استفاده کند.

در مواردی که یک شرکت برای نگهداری میزان معینی از خطر برنامه هایی دارد، اطلاعات موثق می تواند به مدیر ریسک کمک نماید تا در هر زمان که لازم باشد کل هزینه های بیمه ای شرکت را تعیین و بعلاوه کل خسارات را در طول دوره نگهداری خطر پیش بینی کند.

در برنامه های مرتبط با خساراتی که از حساسیت خاصی برخوردار می باشد، مثلاً در مواردی که حق بیمه بایستی مطابق با میزان واقعی تغییر کند، دسترسی فوری به اطلاعات مربوط به آن خسارات به مدیر ریسک امکان می دهد که

بهبود سابقه خسارت بایستی سه اقدام اساسی را در نظر بگیرد:

اولاً بایستی وجوه لازم برای پوشش خسارات احتمالی خطری را که نگهداری شده است فراهم آورد، ثانیاً بایستی برنامه‌ای جامع برای کنترل خسارت تدوین کند، ثالثاً برای اداره کردن توأم با احتیاط جریان تصفیه خسارت توسط بیمه‌گر اولیه‌ای که شرکت تابعه متعلق به اوست، دستورالعمل‌هایی ارائه دهد. اگر این اقدامات موفقیت‌آمیز باشد، می‌بایست در شرکت تابعه وجوهی مازاد از صدور بیمه‌نامه حاصل شود که چنین مازادی خود می‌تواند به عنوان منبع درآمدی برای شرکت مادر یا به عنوان منبع جدید برای درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. بدین ترتیب مدیر ریسک شرکت تابعه را بجای اینکه منشاء هزینه دیگری برای انجام فعالیت باشد به مرکزی برای کسب سود تبدیل کرده است.

بعلاوه تأسیس شرکت تابعه می‌تواند وسیله‌ای مطمئن برای حفظ ثبات هزینه‌های بیمه در درازمدت باشد. برای آن قسمت از خطرات که توسط شرکت تابعه پذیرفته می‌شود هزینه‌ها بایستی کمتر از آن چیزی باشد که در اکثر معاملات بیمه‌ای مرسوم انجام می‌شود.

چون از یک شرکت تابعه اغلب به منظور نگهداری لایه‌ای از خطر که تعداد فعالیت وقوع آن زیاد است، استفاده می‌شود بنابراین مدیر ریسک (که معمولاً از طریق یک شرکت مستقیم یا واسطه عمل می‌کند) در پی واگذاری و انتقال خطراتی به بازار اتکائی خواهد بود که تعداد دفعات وقوع آن کم ولی فاجعه‌آمیز باشد.

امتیاز دیگری که مدیر ریسک با استفاده از شرکت تابعه بدست می‌آورد این است که کنترل بیشتری به قیمت گذاری بیمه اتکائی (و نهایتاً بر هزینه تمامی برنامه بیمه‌ای) خواهد داشت چون می‌تواند از بیمه‌گران اتکائی بخواهد که متناسب با سوابق مربوط به هر بیمه‌گذار نرخ خود را ارائه

برنامه خود را برای افزایش یا کاهش حق بیمه در سالهای آتی تنظیم نماید. بعلاوه، اطلاعات موثقی که از طریق روش‌های اطلاعاتی مناسب فراهم شده باشد در هدایت بیمه‌گر توسط مدیر ریسک به منظور پیگیری مستمر خسارات مؤثر می‌باشد. بنابراین با توجه به توسعه بازارهای بیمه چند ملیتی در سراسر دنیا، بسیاری از بیمه‌گران محصول بیمه‌ای لازم را برای اینکه مدیر ریسک بتواند پوشش‌های مربوط به اموال و یا حوادث را بین ادارات خارجی شرکت هماهنگ نماید، فراهم خواهند آورد.

هر کاری در محدوده مرزها هر چند هم که جالب باشد نمی‌تواند به تنهایی پایدار بماند و در صورتی کارآئی لازم را خواهد داشت که شبکه سراسری دفاتر خسارتی و روش‌های اطلاعاتی با کیفیت مطلوب که پشتوانه آن کار هستند نیز به همان اندازه کارآئی داشته باشند. بیمه‌گران نیابستی برای تأمین پشتوانه مالی خطر از ارائه راه‌های چاره‌ای که جایگزین مکانیزم‌های مرسوم گردد و اهمه‌ای داشته باشند. اکنون بسیاری از شرکت‌هایی که در خارج بیمه صادر می‌کنند برای اداره کردن بیمه‌های اموال و یا حوادث خود تأسیس یک شرکت تابعه<sup>۱</sup> را مدنظر قرار داده‌اند.

ایجاد یک شرکت تابعه می‌تواند برای تدوین برنامه بیمه‌ای مطابق با نیازهای خاص بیمه‌گذار ابزار بسیار خوبی باشد. ایجاد شرکت‌های تابعه بخصوص برای بیمه کردن خطراتی از اموال، خودروها و یا در زمینه مسئولیت عام که تکرار دفعات وقوع آنها زیاد ولی محدود می‌باشد مفید است. شرکت‌های تابعه برای جبران خسارت مربوط به کارگران نیز مفید است چون پیش‌بینی چنین خسارتی معمولاً برای بسیاری از کارفرمایان ساده است و ضمناً غرامتی که به کارگران از کارافتاده پرداخت می‌شود بیشتر براساس مصوبات قانونی است تا اقدام حقوقی.

در صورت ایجاد یک شرکت وابسته مدیر ریسک به منظور اداره مؤثرتر خسارات و لاجرم

سطح بین‌المللی تدوین یک برنامه جامع در مورد کنترل خسارت باشد. این موضوع برای آینده هر شرکت نوپای چند ملیتی حیاتی است چون هیچ‌گونه بیمه‌ای نمی‌تواند خسارت ناشی از قطع رابطه و فرصت‌های از دست رفته با مشتریان عمده را جبران کند.

اگر شرکتی در نظر داشته باشد که کار خود را توسعه دهد، مدیر ریسک می‌تواند برنامه کنترل خود را به ترتیبی تنظیم نماید که امتیاز مثبتی ببار آورد نه اینکه در مورد توسعه کار حالت تدافعی اختیار کند. به منظور یاری رساندن به توسعه کار شرکت مدیر ریسک می‌تواند رویه‌ای را پیش بگیرد که از هر لحاظ به تشخیص، سنجش و بررسی خطرات کمک نماید و سپس نسبت به بهبود و نظارت بر پیشرفت کار اقدام نماید. این‌گونه اقدامات جزء اصول اولیه‌ای است که هر مدیر ریسک محتاطی بایستی رعایت کند تا بدین ترتیب تکنیک‌های کنترل خسارت به خوبی در کار مدیریت ریسک به جریان بیافتد.

استانداردها مربوط به کیفیت و ایمنی با توجه به تقاضاهای مشتریان و مهمتر از آن مقررات نظام‌های حقوقی در سراسر دنیا بیش از پیش تخصصی و انعطاف‌ناپذیر می‌شود. بعلاوه مسئولیت تضمین ایمنی استفاده از کالا و خدمات به سرعت متوجه تهیه‌کننده می‌شود. چنین فشارهایی که سنگینی آن هم اکنون حس می‌شود بیش از پیش ضرورت کنترل همه‌جانبه خسارت را آشکار می‌کند.

ضمناً همراه با کنترل خسارت می‌بایستی توصیه‌هایی نیز در زمینه طراحی، تولید و بازاریابی محصولات و خدمات ارائه شود تا حتی‌الامکان ایمنی لازم برای مصرف‌کنندگان رعایت گردد. متخصصان رشته‌های مختلف می‌توانند کاری را که یک مدیر ریسک در شرکت بیمه در مورد سوابق خسارت انجام می‌دهد در رشته خود دنبال کنند و سوابق خسارتی محصولات را بررسی کنند و در صورت لزوم طراحی و ساخت آن

دهند. بدین ترتیب در مورد بیمه‌گذاری که از لحاظ خسارت سوابق خوبی دارد بیمه‌گران اتکائی بندرت می‌توانند برای جبران اشتباهاتی که ممکن است در نرخ‌گذاری سایر خطرات مرتکب شده باشند افزایش نرخی را مطالبه نمایند.

ممکن است بعضی از مدیران ریسک مطمئن نباشند که تشکیل یک شرکت تابعه متعلق به خودشان بتواند در درازمدت پاسخگوی نیازهای آنها باشد. البته در این مورد راه‌چاره‌ای وجود دارد و آن هم استفاده از شرکت تابعه‌ای به صورت قراردادی است. در این صورت شرکت مزبور بدون اینکه تعهداتی مالی ایجاد کند همان مزایا را فراهم می‌آورد. این‌گونه شرکت‌های تابعه خطرات مورد نظر مربوط به بیمه‌گذار را مادام که هزینه‌های آن پرداخت شود می‌پذیرد. ارزیابی مورد بیمه هم نمی‌تواند بیش از آنچه باشد که با توافق شرکت تابعه طرف قرارداد تعیین شده است. چنین ترتیبی به همان صورتی که در قراردادهای استاندارد سالانه بیمه اعمال می‌شود به بیمه‌گذار پوشش لازم را ارائه می‌دهد و شرکت بیمه مستقیم مادر می‌تواند پوشش لازم برای مازاد خسارت و تراکم ظرفیت را فراهم آورد.

شرکت تابعه‌ای که طرف قرارداد شرکت می‌باشد می‌تواند مانند شرکت تابعه متعلق به خود شرکت همان درآمد مازاد را ایجاد نماید و مدیر ریسک در صورت لزوم می‌تواند از چنین مازادی بدون نیاز به مراجعه به خزانه‌داری برای تأمین بودجه به عنوان سرمایه برای ایجاد یک شرکت وابسته استفاده کند.

بهر حال در صورت استفاده از هر یک از شرکت‌های تابعه متعلق به شرکت یا قراردادی، چون شرکت بیمه مستقیم مادر یا مدیریت شرکت تابعه برای پرداخت خسارات از وجوه خود بیمه‌گذاران استفاده می‌کند بنابراین مدیر ریسک قطعاً بایستی دستورالعمل‌هایی برای کنترل خسارات ارائه نماید.

شاید مهمترین جنبه مدیریت ریسک در



اتخاذ بهترین تصمیم براساس اطلاعات موجود به او یاری رساند. مهندس محاسب می تواند استانداردهای کنترل خسارت تدوین شده توسط مدیر ریسک را به مهندسان مشغول بکار در محل تفهیم نماید.

مدیر ریسک می تواند با استفاده از یک برنامه جامع و پایدار کنترل خسارت در محل، نیازهای درازمدت شرکت را مشخص کند. در صورت تحقق کنترل خسارت با چنین کیفیتی بی تردید اندوخته هائی ایجاد می شود که حتی فعال ترین مدیران ریسک می توانند به آن تکیه کنند.

کسب مهارت در مدیریت ریسک در سطح بین المللی تلاشی عظیم و رعب آور به نظر می رسد ولی اگر بیمه گر واجد کیفیات مطلوب باشد مدیر ریسک می تواند ضمن به حداقل رسانیدن خطرات با اطمینان و به بهترین وجه از فرصت های بین المللی در جهت منافع شرکت استفاده کند.

منبع:

The Review - April 1992 : Risk Management

A Global Warning \ by: Terry Sparkes

پاورقی

۱) Captive شرکت تابعه که انحصاراً متعلق به شرکت مادر می باشد.

محصول مورد نظر را به منظور کاهش خسارات بالقوه تغییر دهند.

در زمینه تولید محصولات، متخصصان کنترل خسارت می توانند در مورد تدوین برنامه های صحیح کنترل کیفی، ارائه دستورات به منظور استفاده صحیح از محصول، نوع بسته بندی و اجتناب از شکایاتی که مرتبط با تبلیغات است توصیه هائی به مدیر ریسک بنمایند و در مورد توسعه روش هائی برای ارتباط مستمر با مشتریان نیز همکاری کنند چون در مواردی ممکن است لازم باشد که سازندگان هزاران محصول مختلف شناسایی شوند.

علیرغم چنین تلاشها هر شرکتی که در سطح بین المللی فعالیت می کند می بایستی انتظار افزایش دعاوی مرتبط با مسئولیت را در سالهای آینده داشته باشد و فقط شرکتی که یک برنامه جامع برای کنترل خسارت داشته باشد در موقعیتی خواهد بود که بتواند بطور مؤثر پاسخگوی آنها باشد. رمز موفقیت در کنترل خسارت در سطح بین المللی پایداری است. هر فرد حرفه ای در زمینه کنترل خسارت در شرکتی که فعالیت بین المللی دارد بایستی استانداردهای روشنی برای تجزیه و تحلیل و ارائه پیشنهادات در اختیار داشته باشد.

چون پایداری در این مورد اهمیت حیاتی دارد مدیر ریسک بایستی از بیمه گری استفاده کند که بتواند یک مهندس محاسب برای انجام برنامه جهانی در اختیارش بگذارد تا در صورت بروز مشکلات در هر گوشه از دنیا آن مهندس محاسب اولین کسی باشد که بسته به مورد جهت